

آموزش‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران: گذشته، حال، آینده

نوشته دکتر زهیر حیاتی^۱

چکیده

این مقاله ضمن مروری گذرا بر پیشینه آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی و بیان وضعیت کنونی آن، سعی دارد به بازسازی الگوی کتابدار حرفه‌ای بپردازد. این الگو که به کمک واقع‌گرایی، توجه به شواهد و نتایج تحقیق و مشاهده علمی به دست می‌آید، در تدوین برنامه آموزشی کارآمد مؤثر خواهد بود. در پایان نتیجه گرفته می‌شود که برنامه‌های آموزشی باید توانایی تربیت دانشجویانی را داشته باشند که از عهده تولید اطلاعات علمی، و عرضه و اشاعه آن بر آیند و از علم تولید شده توسط دیگران به‌خوبی استفاده کنند و اطلاعات جدیدی عرضه نمایند.

کلیدواژه‌ها

آموزش کتابداری، ایران، پیشینه

مقدمه

کتابداری و اطلاع‌رسانی و آموزش آن همیشه آمیخته با فناوری‌های زمان خود و متأثر از آنها بوده است. شناخت فناوری‌های اطلاعاتی از وظایف مهم برنامه‌های آموزشی و برنامه‌ریزان آن است. پویایی و تغییر از خصوصیات فناوری‌های جدید است و شرایط تازه‌ای را فراروی کارکنان مرتبط با آنها و متأثر از تغییرات قرار می‌دهد. برنامه‌های آموزشی کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران باید بر مبنای اصول بنیادی این رشته، شرایط مطلوب دوران گذار به محیط جدید را برای این حرفه فراهم

کنند. پویایی برنامه‌ها، هماهنگی حرفه و آموزش، و بازآموزی مداوم شرط موفقیت در آینده است. این مقاله ضمن مروری گذرا بر پیشینه آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی و بیان وضعیت کنونی آن، سعی دارد به بازسازی الگوی کتابدار حرفه‌ای بپردازد. چنین الگویی می‌تواند مبنای قرین به واقعیت برای برنامه‌های آموزشی به وجود بیاورد. واقع‌گرایی و توجه به شواهد که از طریق تحقیق و مشاهده علمی به دست می‌آید، ما را به تدوین برنامه‌های آموزشی کارآمد رهنمون

خواهد ساخت. افتادن در دریای فناوری های جدید و گرفتار امواج آن شدن، آینده روشن و مطمئن را برای حرفه کتابداری و اطلاع رسانی و آموزش های خاص آن به دنبال نخواهد داشت. مقاله حاضر نتیجه میگیرد که برنامه های آموزشی باید توانایی تربیت دانشجویانی را داشته باشند که از عهده تولید اطلاعات علمی و عرضه آن به صورت یک کالای بازرگانی برآیند و همچنین بتوانند از تولیدات دیگران نه تنها به خوبی استفاده کنند بلکه از آن کالای اطلاعاتی جدیدی بسازند.

پیشینه تاریخی

آیا شروع آموزش های کتابداری و اطلاع رسانی در ایران را باید در گذشته کتابخانه های این سرزمین جستجو کرد؟ در این صورت باید پذیرفت که آغاز این نوع آموزش ها همراه با تأسیس اولین کتابخانه ها یا به تعبیر درست تر بهایی اولین مجموعه ها بوده است. در روزگار کنونی، ما مفهوم دیگری را از کتابخانه دنبال می کنیم که در گذشته مرسوم نبود. با پذیرش این فرضیه، تاریخ

این مقاله ضمن مروری گذرا بر پیشینه آموزش کتابداری و اطلاع رسانی و بیان وضعیت کنونی آن، سعی دارد به بازسازی الگوی کتابدار حرفه ای بپردازد.

آموزش های کتابداری به مفهوم اداره مجموعه ها را که البته حفاظت و نگهداری رکن اساسی آن را تشکیل می دهد، باید به زمان هخامنشیان (۶۴۰ ق.م - ۳۳۸ ق.م) نسبت داد. ادامه این آموزش ها را باید در کتابخانه های ساسانیان (۲۴۲ ق.م - ۶۵۰ ق.م) و به ویژه در کتابخانه دانشگاه جندی شاپور دنبال نمود (۱۷۱۲).

سقوط سلسله های ایرانی و رواج فرهنگ اسلامی در این سرزمین، شکل دیگری به آموزش و پرورش داد. در عهد خلفای اسلامی در سرزمین هایی که به نام اسلام اداره می شد، در هر مکانی که نوعی از آموزش ارائه می گردید (از آموزش ابتدایی خواندن و نوشتن در مساجد تا آموزش های پیشرفته در مدارس مانند نظامیه) در همه جا مجموعه هایی از مواد آموزشی موجود بود.

اما همان طور که میان انواع آموزش از نظر سطح تفاوت های وجود داشت، مجموعه ها یا کتابخانه های مرتبط با آنها از نظر حجم مجموعه، نحوه اداره، تسهیلات و خدماتی که ارائه می شد با هم متفاوت بودند. ما می توانیم تفاوتی را در ادوار بعد حتی در زمان حکمرانی سلسله هایی مانند ایلخانیان و تیموریان تا فاصله میان دو جنگ جهانی مشاهده کنیم.

باید پذیرفت که اداره هر نهادی هر چند کارکردهای آن ساده و ابتدایی باشد، به آموزش هایی که ممکن است در خلال کار فرا گرفته شود نیاز دارد. در دورانی که اداره کتابخانه ها به دانشمندان و افراد فرهیخته سپرده می شد، کتابخانه ها کارکردی ساده داشتند و نیازی به مجموعه سازی بر اساس نیاز استفاده کنندگان و سازماندهی مجموعه بر اساس اصول کاتر و رده بندی های پذیرفته شده وجود نداشت، باید قبول کرد که آموزش کتابداران نیز ساده بود. چنین آموزش هایی در مدت کمی فرا گرفته می شود و نیازی نیست که کارکنان کتابخانه ها در کلاس های آموزشی بر جمعیت شرکت کنند.

تاریخ کتابداری مغرب زمین به ویژه انگلستان و ایالات متحده شاعدی بر ادعای فوق است. سرآنتونی پانتیسی^۱ کتابدار کتابخانه موزه بریتانیا، ویلیام توری هریس^۲ پدر رده بندی دهدهی دیوئی، چارلز امی^۳ کاتر^۴ کتابدار کتابخانه عمومی بوستون و خالق اصولی که بعد از گذشت دو قرن از آنها هنوز تازگی و طراوت خود را حفظ کرده اند، هربرت پوتنام^۵، اینزورث رند اسپو福德^۶ کسانی که شگفتگی کتابخانه تکنگره آمریکا مدیون تلاش های آنهاست و در پایان ملویل دیوئی کسی که تحولات و نوآوری های او در رده بندی علی رغم اینکه قرن نوزدهمی است. هنوز چون نگینی در کتابخانه ها می درخشد. چه کسی می تواند بگوید که افرادی که نامشان ذکر شد، دانشجوی کدام مدرسه کتابداری در انگلستان و ایالات متحده بودند؟ تحصیلات دانشگاهی پانتیسی در کدام کتاب تاریخ کتابداری انگلستان و جهان رقم خورده است ولی هر جا که بحث بر سر فهرست های الفبایی و جایی باشد باید نام او را ذکر کرد. ملویل دیوئی در تاریخ کتابداری دنیا چهره ای شاخص است نه به خاطر نهادهایی که به وجود آورد مانند اولین مدرسه کتابداری یا در به وجود آمدن آنها سهمی عمده

1. Sir Antonio Panizzi
2. Harris

3. Charles Ammi Cutter
4. Herbert Putnam

5. Ainsworth Rand Spofford

داشت مانند انجمن کتابداران امریکا؛ بلکه او بنیانگذار این تفکر در جامعه امریکایی بود (هنوز شرایط قرن نوزدهمی آن با کشورهای زیادی در قرن بیست و یک قابل مقایسه است) که کتابداری و اطلاع‌رسانی با پیشرفتی قابل ملاحظه شرایط آن را پدید آورد که دارای آموزش حرفه‌ای باشد و سازمانی حرفه‌ای نیز مانند دیگر سازمان‌های حرفه‌ای که تعداد آنها در آن دوران در ایالات متحده کم نبود مانند انجمن‌های حرفه‌ای پزشکان و مهندسان، برای خود داشته باشد.

او به جامعه خود حتم به کارگیری دانشمندان در نقش کتابدار در کتابخانه‌ها را اعلام می‌کند و بیان می‌دارد که کتابداری حرفه‌ای است مانند دیگر حرفه‌ها؛ و برای تصدی آن لازم است افرادی را که در مدارس ویژه آموزش فنون این رشته، آموزش و تعلیمات لازم را دیده باشند انتخاب کرد. بدین ترتیب دیوینی به حرفه کتابداری اعتباری تازه بخشید و آن راه تراز دیگر مشاغل حرفه‌ای قرار داد. زمانی که به شیالی راما رانگانانان کسی که عناوین پرافتخاری مانند پدر کتابداری هند و اجنوبی کتابداری دنیا را به خود گرفته است، توصیه می‌شود برای تصدی پست کتابداری دانشگاه مدرس به کالج دانشگاهی لندن برود و در آنجا در مقدماتی ترین سطح تحصیل در رشته کتابداری تحصیل کند. موجب تعجب کسی نمی‌شود و با اعتراض رانگانانان علی‌رغم برخورداری از تحصیلات دانشگاهی ممتاز مواجه نمی‌شود. دانشکده مذکور که در آن زمان افراد مشهوری مانند پیرسون، کتابدار و کتابشناس معروف انگلیسی در آن جمع شده بودند مانند یک دانشجوی معمولی او را می‌پذیرند (۱۱۱: ۱۱۲).

در قرن نوزدهم که دوران رشد کتابداری و نظریه‌های آن در ایالات متحده و انگلستان است، قاجاریان بر ایران (۱۱۹۳-۱۳۴۴ق.) حکومت می‌کنند که نه اندیشه توسعه ملی دارند و نه در فکر آندک در در رقابت‌های بین‌المللی برای توسعه و نوآوری شرکت کنند. آنها حتی در مقابل بروز اندیشه‌های نو که در اقدامات کسانی مانند قائم مقام فراهانی و امیرکبیر تجلی می‌یافت ایستادگی کردند. بدین ترتیب در ایران قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم، نوآندیشی سیاسی که مقدمه وزیربنای توسعه اجتماعی و فرهنگی ست متوقف می‌ماند. لذا نمی‌توان

در چنین شرایطی انتظار داشت که کتابخانه‌های ایران فراتر از کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان رود و استفاده‌کنندگانی به جز شاه و دربار قاجار داشته باشد. در همین دوران کتابخانه‌های عمومی در ایالات متحده رشد می‌یابند و شرایط اجتماعی و فرهنگی، مناسب ظهور کتابداری حرفه‌ای و تأسیس دانشکده‌های کتابداری می‌شود.

چنانچه شرایط ملی برای ایجاد نوآوری و تغییر مناسب نباشد فرض دیگری را باید پذیرفت و آن وارد کردن عامل تغییر از خارج است که بهترین روش آن آموزش است. با این نیت که بتوان با آموزش و تربیت افراد مستعد بومی و مجهز و معتقد نمودن آنها به تفکرات و نظریه‌های جدید، به بسط و گسترش آن در جامعه پرداخت. در ایران در فاصله میان دو جنگ جهانی چنین اتفاقی می‌افتد. در دوران حکومت رضاخان (۱۳۰۴-۱۳۳۰ش.) در

ایران که از طریق زور و فشار جامعه برای توسعه به سبک غربی آماده می‌شد، ما شاهد توسعه زیرساخت‌های فنی، اقتصادی و فرهنگی مانند کارخانه‌های نساجی، راه آهن سراسری و بانک ملی برای ایجاد دگرگونی در جامعه نیمه فئودالی ایران هستیم. همراه با این تحولات، نظام آموزشی کشور به ویژه آموزش ابتدایی نیز متحول می‌شود. وزارت فرهنگ برای ایجاد و تدویم نظام مذکور تأسیس می‌شود. تأسیس وزارتخانه مذکور شرایط بنیان نهادن کتابخانه ملی را به وجود می‌آورد بدون اینکه کتابداری ایران هنوز با ایده‌های کتابداری نوین آشنا شده باشد. بهترین شیوه برای فراهم نمودن زمینه آشنایی همان‌طور که ذکر شد، آموزش کتابداری نوین بود، به‌ویژه به کسانی که به شغل آموزگاری در مدارس اشتغال داشتند.

نخستین دوره آموزشی کتابداری در ۱۳۱۸ در دانشسرای عالی که بعدها به دانشگاه تربیت معلم تغییر نام داد برگزار شد. در میان مدرسان این دوره که ترکیبی از استادان دانشکده تهران و کتابشناسان آگاه به نسخه‌های خطی بود، محسن صبا قرار داشت. وی کتابداری نوین را در فرانسه آموخته و در ۱۳۱۵ به ایران بازگشته بود. هر چند این دوره آموزشی با نفوذی که کتابداران سنتی در ایران داشتند، برنامه آموزشی محدودی داشت و موفق به آموزش جنبه‌های مختلف علوم کتابداری نگردید. ولی فرصتی بود که صبا شرکت‌کنندگان در این دوره را با نظریه‌های کتابداری نوین که در فرانسه آموخته

بود آشنا نماید. بعد از این دوره، دوره دیگری تا پایان جنگ جهانی دوم در ایران برگزار نشد (۱۳۴۵-۱۳۴۶). با خاتمه جنگ جهانی دوم و پدیدار شدن فصلی جدید در روابط کشورها که ناشی از شرایط نوین بعد از جنگ بود، مطالبات مردم برای توسعه به ویژه بهبود وضعیت اقتصادی بالا گرفت. ایران و دولت حاکم بر آن که به پهلوی دوم (۱۳۳۱-۱۳۵۷) بود، از این شرایط مصون نماندند. دولت ایران برای برنامه‌های اصلاحی که در نظر داشت نیاز به فناوری‌های جدید، سرمایه و نیروی انسانی ماهر داشت که هیچ کدام در دوران بعد از جنگ در ایران فراهم نبود یا در اثر وقوع جنگ متوقف مانده بود. اقدامات ایالات متحده در زمان جنگ این کشور را برترین دارنده فناوری، سرمایه و دانش کارشناسی معرفی نمود. عواملی که ایران برای توسعه اقتصادی سخت بدان‌ها نیازمند بود.

همراه با فناوری‌های نوین، کارشناسان آمریکایی نیز وارد ایران شدند. یکی از برنامه‌هایی که برای تربیت نیروی انسانی ماهر باید اجرا می‌شد تأسیس و توسعه دانشگاه‌ها بود. به این منظور تعدادی از دانشگاه‌های معتبر آمریکایی با ایران همکاری کردند. یکی از جنبه‌هایی که بر اساس الگوی دانشگاه‌های آمریکایی باید توسعه داده می‌شد کتابخانه‌های دانشگاهی بود. هم‌زمان با فعالیت‌های مذکور برخی انجمن‌های خارجی در ایران مانند انجمن ایران و آمریکا و سفارت انگلیس در ایران، مبادرت به تأسیس کتابخانه کرده بودند. کتابخانه‌های مذکور نه تنها خدمات کتابخانه‌ای را در اختیار ایرانیان قرار می‌دادند بلکه زمینه آشنایی تعدادی از کتابداران ایرانی را با کتابداری نوین فراهم ساختند. توسعه کتابخانه‌های دانشگاهی نیاز به نیروی انسانی ماهر داشت.

دوره‌های کوتاه مدت

برای تربیت کتابداران دو راه وجود داشت؛ یکی برگزاری دوره‌های کوتاه مدت بود نظیر آنچه آمریکاییان و بونسکو در کشورهای دیگر برگزار کرده بودند؛ و دیگر تأسیس دانشکده‌های کتابداری در دانشگاه‌ها به دلیل فقدان کتابدار حرفه‌ای در ایران. راه نخست برای تربیت نیروی انسانی کتابخانه‌ها برگزیده شد. گرچه برنامه‌های

آموزشی در قالب آشنایی با علوم کتابداری برگزار می‌شد ولی بر آنچه تأکید می‌شد، تعلیم فنون فهرست‌نویسی توصیفی ورده‌بندی بود که هم آموزش آن ساده می‌نمود و هم مدرّسان برای انتقال آن به دانشجویان ایرانی با مشکل فرهنگی مواجه نبودند (۷۷۲، ۱۰-۷۷۶).

مشکل دیگر این برنامه‌ها ترکیب کسانی بود که در این برنامه‌ها شرکت می‌کردند. برنامه‌ها برای تربیت نیروی انسانی مورد نیاز کتابخانه‌های دانشگاهی تدارک دیده شده بود. ضعف برنامه‌ریزی درازمدت برای توسعه کتابخانه‌های دانشگاهی و جذب نشدن افراد زیادی برای شرکت در این دوره‌ها به گونه‌ای که بعداً نتوانند در کتابخانه‌های دانشگاهی به کار مشغول شوند، این برنامه‌ها را با موفقیت روبه‌رو نکرد. در سال‌های ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۴، ۸ دوره کوتاه مدت برگزار شد که در آن کارکنان کتابخانه‌ها، که به تدریج استقبال آنها از این برنامه‌ها کاهش می‌یافت، دیپلمه‌های بیکار و حتی افراد متفرقه باسوادی در حدّ سوم متوسطه نظام قدیم، شرکت می‌کردند. اما علی‌رغم کاستی‌های مذکور این برنامه‌ها به ویژه اولین آنها توانست افرادی مانند ناصر شریفی و فرنگیس امید را به کلاس‌ها جذب کند که آنها خود در سال‌های بعد منشأ خدمات ارزشمندی در کتابداری ایران گردیدند. دوره‌های کوتاه مدت گرچه در تربیت نیروی انسانی برای کتابخانه‌های دانشگاهی به ویژه دانشگاه‌هایی که در تهران قرار داشتند موفق نبود، ولی جامعه دانشگاهی و کارکنان کتابخانه‌ها را با مفهوم کتابداری حرفه‌ای که نمایندگان عینی آنها کتابداران و استادان رشته کتابداری دانشگاه‌های آمریکا بودند، آشنا نمود (۱۴۸، ۱۲-۱۵۰).

برگزاری چندین دوره کوتاه مدت نشان داد که این دوره‌ها گرچه می‌توانند تا حدودی نیروی انسانی مورد نیاز کتابخانه‌ها را در سطح معمولی تربیت کنند ولی توان آن را ندارند که کتابدار متخصص برای کتابخانه‌های دانشگاهی تربیت نمایند. دانشگاه تهران به بازسازی نظام کتابخانه‌های خود اقدام کرده و در صدد بود که بر مبنای الگوی دانشگاه‌های آمریکایی کتابخانه‌ای با نظام متمرکز ایجاد نماید. بنابراین چنین نظامی در گرو در اختیار داشتن کتابداران متخصص در سطوح بالا به ویژه مدیریت کتابخانه و خدمات فنی بود (۲۲۴، ۱۱۳-۱۲۹). راه چاره تأسیس

رشته کتابداری در یکی از دانشگاه‌های ایران و تربیت کتابدار حرفه‌ای بود. این الگو را امریکاییان در کشورهای دیگر مانند پاکستان و دیگر کشورهای جنوب شرقی آسیا آموخته بودند.

نخستین گروه آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی

پیشنهاد تأسیس دوره فوق لیسانس کتابداری در دانشگاه تهران بدون سابقه قبلی نبود. اولین پیشنهاد به این دانشگاه درباره نیاز به کتابداران حرفه‌ای و تربیت آنها، توسط دانشگاه امریکایی کالیفرنیا جنوبی که نقش مشاور در توسعه و نوسازی نظام آموزشی و اداری دانشگاه تهران را داشت ارائه شده بود. چنان که انتظار می‌رفت این پیشنهاد با عکس العمل‌های منفی زیادی در دانشگاه تهران به ویژه از ناحیه آن دسته از اعضای هیئت علمی که دیدگاهی سنتی نسبت به کتابداری و کار کتابداران داشتند مواجه گردید. از منظر این افراد کار کتابخانه در بدهستان‌های ساده کتاب‌ها و محافظت از مجموعه در مقابل پراکنده شدن و احتمالاً سرقت خلاصه می‌گردید. کاری که در دانشگاه تهران در شرف انجام بود و انتظار طرح دهندگان این بود که با معالفتی روبه‌رو نشود، در دیگر کشورها حتی خود ایالات متحده نیز آسان به موفقیت نرسیده بود. تلاش‌های ویلیامسون^۱ و گزارش مشهور وی که سند معتبری در کتابداری حرفه‌ای آمریکا و جهان است، بیانگر این نکته است که راه‌هایی کتابداری حرفه‌ای به محیط دانشگاه‌ها و ارتقاء آن به سطح دیگر رشته‌های علمی، موفقیتی بود که آسان نصیب کتابداران نگردید. بعد از این رویداد تاریخی که در ۱۹۲۲ در دانشگاه شیکاگوی آمریکا به وقوع پیوست، در هر نقطه از دنیا که بخش یا دانشکده کتابداری تأسیس شد، در دانشگاه‌ها بوده است و ایران نیز مستثنا نبوده است.

تأسیس گروه کتابداری به استاد واجد شرایط برای تدریس در دوره فوق لیسانس نیاز داشت که از طریق برنامه فولبرایت آمریکا که دارای تجربه‌های مفید و مشابهی در چند کشور دیگر بود تأمین گردید. در نهایت، دانشگاه تهران طرح تأسیس گروه کتابداری در سطح فوق لیسانس را می‌پذیرد و موافقت می‌کند که این دوره از سال تحصیلی ۱۳۲۶-۱۳۲۵ در دانشکده نوای علوم تربیتی آغاز به کار کند. در این راه نباید از تلاش‌ها و از

خودگذشتگی‌های ایرج افشار، مدیر طرح نوسازی کتابخانه‌های دانشگاه تهران و کتابشناس نامی ایران، آسان گذشت. ایرج افشار گرچه درس کتابداری حرفه‌ای را به سبک معمول در دانشگاه‌ها نخوانده است، ولی از آغاز مطرح شدن این اندیشه در ایران همیشه حامی آن بوده و در پیشرفت و گسترش آن در ایران نقش بارزی داشته است.

شروع آموزش‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران را باید در گذشت کتابخانه‌های این سرزمین جستجو کرد.

در ۱۳۲۵ پروفسور آلیس لوهر^۲ از دانشگاه ایلینوی آمریکا برای راه‌اندازی دوره فوق لیسانس کتابداری به دانشگاه تهران آمد. او از همکاری مارگرت هاپکینز^۳ که قبل از وی به تهران آمده بود و مشاور کتابخانه مرکزی بود، برخوردار گردید. لوهر در این سفر یک سال در تهران ماند و طی این مدت برنامه آموزشی این دوره را تدوین و اجرا نمود. برنامه‌ای که وی تدارک دید نمونه برنامه‌هایی بود که در دانشکده‌های کتابداری آمریکا تدریس می‌شد. در تدوین برنامه مذکور، هیچ کوششی از سوی دانشگاه تهران، به ویژه دانشکده علوم تربیتی این دانشگاه علی‌رغم تخصصی که داشت، برای تطابق با شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایران صورت نگرفت (۱۱، ۱۶۰-۱۶۲).

با پایان گرفتن زمان مأموریت لوهر در ایران، جان هاروی^۴ از دانشکده کتابداری در کسل^۵ آمریکا با حمایت برنامه فولبرایت به دانشگاه تهران آمد. هاروی نیز مانند لوهر یک سال در آنجا ماند. او طی این مدت در برنامه آموزشی که لوهر تدوین نموده بود تغییراتی داد. سعی او بر این بود که نیازهای زبان فارسی و انتشارات ایرانی را در برنامه درسی در نظر بگیرد. تلاش هاروی در تعقیب برنامه بیشتر متوجه کارهای فنی کتابداری بود و او نسبت به موارد فرهنگی و ارزش‌هایی که بر جامعه ایرانی حکمفرماست بی‌توجه ماند، چون نه با فرهنگ و سنت ایرانیان آشنایی داشت و نه می‌توانست در مدت یک سال مأموریتش با این فرهنگ بسیار پیچیده آشنا شود. با پایان یافتن زمان مأموریت هاروی در گروه کتابداری

دانشگاه تهران، وی به امریکای برگشت بلکه به همکاری با وزارت علوم و آموزش عالی پرداخت تا دو مؤسسه معتبر به نام‌های 'مرکز مدارک علمی' و 'مرکز خدمات کتابداری' را که نقش عمده‌ای در پیگیری و توسعه کتابداری حرفه‌ای در ایران داشتند تأسیس نماید. بعد از رفتن هاروی مدرسان آمریکایی دیگر به همان شیوه که لوهرز و هاروی به ایران آمده بودند، برای تدریس در گروه کتابداری به دانشگاه تهران آمدند و این مأموریت‌ها تا زمان بالا گرفتن ناآرامی‌های انقلاب ادامه داشت (۱۱:۷۱).

نگاهی به محتوا و کیفیت پایان‌نامه‌ها و نه عنوان آنها (حتی آنهایی که در سال‌های اخیر پایان‌نامه دوره دکترا بوده‌اند) حکایت از این دارد که آموزش، آموختن و فراغ التحصیلی دچار روزمرگی شده است

تأسیس گروه‌های آموزشی

تأسیس گروه کتابداری با برنامه فوق لیسانس در دانشگاه تهران فتح بابی برای دیگر دانشگاه‌ها شد تا آنها نیز دست به اقدام مشابهی بزنند. در این راه دانشگاه تبریز پیشقدم بود با این تفاوت که به جای دوره فوق لیسانس، دوره لیسانس تأسیس کرد و به جای استادان آمریکایی از مدرسان هندی و پاکستانی برای تأسیس گروه کتابداری و تدریس استفاده نمود.

بعد از دانشگاه تبریز، نوبت به مؤسسه 'ایران زمین' و دانشگاه‌های دیگر در تهران و شهرستان‌ها رسید که گروه‌های کتابداری تأسیس کنند. مؤسسه ایران زمین در تهران دوره کاردانی کتابداری تأسیس کرد و اعضای هیئت علمی مرکز خدمات کتابداری و مرکز مدارک علمی را برای تدریس در این دوره به همکاری دعوت نمود. دانشگاه‌های دیگر برخلاف دانشگاه تبریز و مؤسسه ایران زمین فعالیت خود را صرف تأسیس دوره‌های فوق لیسانس نمودند. دانشگاه‌هایی مانند دانشگاه پهلوی (که بعد از انقلاب به دانشگاه شیراز تغییر نام داد)، دانشگاه دختران (که بعداً الزهرا نامیده شد)، مرکز پزشکی شاهنشاهی در تهران (که با پیروزی انقلاب اسلامی

دانشگاه علوم پزشکی ایران نامیده شد) و دانشگاه جندی شاپور (که هم اکنون نامش دانشگاه شهید چمران اهواز است) گروه‌های کتابداری در سطح فوق لیسانس برپا کردند. به استثنای دانشگاه شیراز که بخش کتابداریش به ابتکار هوشنگ ابرامی ایجاد شد، بقیه گروه‌های کتابداری که در فوق از آنها نام برده شد مانند گروه کتابداری دانشگاه تهران به دست استادان آمریکایی تأسیس شدند (۱۲:۱۱۸-۲۰۶).

گروه‌های مذکور با بضاعتی اندک از نظر مدرسانی که می‌توانستند به خدمت بگیرند، شروع به کار نمودند و همه آنها در جذب استاد حتی در شرایط ایران قبل از انقلاب که مشکل عمده‌ای در این نوع استخدام‌ها وجود نداشت با دشواری مواجه بودند. با افزایش ناآرامی‌ها در دوران انقلاب به ویژه نقرتی که متوجه امریکاییان بود، همه استادان خارجی، ایران را ترک کردند و گروه‌های کتابداری با مشکل عظیمی در زمان بازگشایی دانشگاه‌ها پس از انقلاب مواجه شدند.

آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

آنچه بر دانشگاه‌ها و گروه‌های کتابداری پس از انقلاب گذشت، به دو دوره مجزای قبل و بعد از انقلاب فرهنگی در ۱۳۵۹ تقسیم می‌شود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی دولت موقت، مردم ایران به ویژه کارکنان بخش عمومی و خصوصی را برای سازندگی فراخواند. دانشگاه‌ها نیز شامل این فراخوان عمومی شدند. بعد از انقلاب درهای دانشگاه برای ادامه فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی گشوده شد و گروه‌های کتابداری در تهران و شهرستان‌ها به ویژه آنهایی که در سطح فوق لیسانس فعالیت می‌کردند، از کمک استادان خارجی بهره می‌برند، با مشکل کمبود و حتی نبود استاد مواجه شدند. از همه دشوارتر وضعیت گروه کتابداری دانشگاه اهواز بود که با رفتن دو نفر عضو هیئت علمی آمریکایی که اعضای یک خانواده بودند، با تعطیلی موقت مواجه گردید. بعد از این گروه، گروه‌های کتابداری دانشگاه‌های شیراز، الزهرا، الزهرا و علوم پزشکی ایران با دشواری زیادی از نظر ادامه کار مواجه شدند. گروه‌های مذکور مجبور شدند با حداقل عضو هیئت

علمی و بهره‌گیری از مدرسانی که بیشتر آنها در استخدام سازمان‌های حرفه‌ای کتابداری و کتابخانه‌ها بودند، به کار خود ادامه دهند. با توجه به شرایطی که گروه‌های مذکور داشتند، آنها موفق شدند که تعداد بسیار کمی از دانشجویان خود را که از قبل از انقلاب برای آنها باقی مانده بود فارغ التحصیل نمایند. در ۱۳۵۹ موج جدیدی به نام انقلاب فرهنگی دانشگاه‌ها را فراگرفت و سه سال ادامه یافت (۲۱۵-۲۱۸).

در این مدت کلاس‌های درس در همه دانشگاه‌ها تعطیل شد و ستادی به نام ستاد انقلاب فرهنگی که خارج از نظام آموزش عالی کشور بود، سوار بر مقدرات این نظام گردید. این ستاد که بعدها به شورای انقلاب فرهنگی تغییر نام داد، دو فعالیت عمده را دنبال می‌نمود: ۱) جریان پاکسازی؛ که هدف آن اخراج استادان و دانشجویانی بود که مطلوب نظام جدید آموزش عالی نبودند یا خود آنها را هم‌کاری با نظام جدید سر باز می‌زدند. آنها یا در داخل کشور جذب سازمان‌های دیگر شدند، یا به خیل بیکاران پیوستند و یا راهی خارج از کشور شدند (۸۰/۱۴).

۲) تدوین برنامه‌های آموزشی جدید برای دانشگاه‌ها با هدف تحول برنامه‌های آموزشی و گسستن وابستگی به کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا و همچنین همگام کردن دانشگاه‌ها با معیارها و ارزش‌های جامعه اسلامی که مورد تأکید جمهوری اسلامی بود.

ستاد انقلاب فرهنگی گروه‌های برنامه‌ریزی برای رشته‌های مختلف دانشگاهی تشکیل داد که گروه کتابداری نیز یکی از آنها بود. این کمیته قبل از بازگشایی دانشگاه‌ها دو برنامه آموزشی تدوین نمود. یکی برای دوره کاردانی که مقرر شد در زمان بازگشایی دانشگاه‌ها، گروه‌های کتابداری در این سطح فعالیت خود را آغاز کنند. دیگری برنامه‌ای بود برای دوره کارشناسی که هدفش فارغ التحصیل کردن دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه‌های تهران، تبریز و الزهرا بود که تحصیل آنها دچار وقفه شده بود. این برنامه با توجه به برنامه‌هایی که در هر کدام از دانشگاه‌های مذکور تدریس می‌شد تدوین گردید و با فارغ التحصیل شدن دانشجویان مذکور متوقف شد (۲۲۲-۲۲۴).

با باز شدن دوباره دانشگاه‌ها در ۱۳۶۴، دانشگاه‌های

شیراز، اهواز، تهران و الزهرا که تا قبل از انقلاب به آموزش دانشجویان در سطح فوق لیسانس می‌پرداختند، فعالیت خود را در سطح کاردانی ادامه دادند. در واقع به جز دانشگاه تهران که با برگشتن دکتر عباس حری و دکتر طاهره علومی که با استفاده از بورس تحصیلی برای ادامه تحصیل در دوره دکتری به ترتیب به دانشگاه‌های کیس وسترن رزرو^۱ و پیشبورگ^۲ رفته بودند و بعد از اخذ مدرک دکتری به دانشگاه تهران برگشته بودند، بقیه دانشگاه‌ها مدرسان واجد شرایط به تعداد کافی در اختیار نداشتند و نتوانستند کار خود را در سطح بالاتر از کاردانی آغاز نمایند.

افتتاح دوره کاردانی

در این هنگام دانشگاه‌های دیگر مانند دانشگاه مشهد و اصفهان که قبل از انقلاب فرهنگی به‌طور محدود در رشته کتابداری فعالیت می‌کردند و تعدادی از دروس کتابداری را در چهارچوب برنامه‌ای به نام کهد کتابداری در دانشکده‌های علوم تربیتی ارائه می‌دادند، به تشکیل گروه‌های مستقل کتابداری همت گماشتند و برنامه آموزش کتابداری در سطح کاردانی به راه انداختند. باید گفت تنزل آموزش کتابداری از سطح فوق لیسانس به کاردانی شرایطی را فراهم نمود تا دانشگاه‌های زیادی به گرد آوردن تعدادی کتابدار متخصص بپردازند و گروه‌های آموزشی بسیار کوچک که گاه تعداد اعضای آنها بیش از یک یا دو نفر نبود و فاقد هر گونه سابقه در آموزش کتابداری بودند، در سطح کاردانی تأسیس کنند. چشمگیرترین رهاورد این دوران، افزایش تعداد گروه‌های آموزشی کوچک، برانگنده و فاقد امکانات آموزشی و پژوهشی در سراسر کشور بود؛ گروه‌هایی که وزارت فرهنگ و آموزش عالی سابق بدون رعایت هیچ استاندارد آموزشی و پیش شرطی به آنها امکان تأسیس دوره‌های آموزش کتابداری را داده است.

بررسی برنامه‌ها و فعالیت‌های کمیته برنامه‌ریزی کتابداری نشان از آن دارد که این کمیته در آغاز به آموزش کتابداری در دو سطح کاردانی و فوق لیسانس باور داشته است. برنامه کاردانی برای تربیت کسانی که بتوانند کارهای فنی کتابخانه‌ها را انجام دهند و آموزش کتابداران متخصص برای مدیریت کتابخانه و انجام کارهای

تخصصی. با به راه افتادن دوره کاردانی، کمیته مذکور به سراغ تدوین برنامه دوره کارشناسی ارشد می‌رود. این برنامه در دورانی تدوین شد که آرایش بیشتری بر کار کمیته‌های برنامه‌ریزی حکمفرما بود و فرصت بیشتری برای اندیشیدن و تدوین برنامه‌های متفاوت از آنچه تاکنون وجود داشت فراهم گردید (۱۳۴:۱۲).

دوره کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی

در ۱۳۶۵ علی‌رغم اینکه هنوز تعداد زیادی از کتابخانه‌ها به ویژه کتابخانه‌های دانشگاهی و اختصاصی، نظام کتابخانه‌های خود را از نظام‌های دستی به رایانه‌ای تغییر نداده بودند و همچنین امکانات رایانه‌ای شدن به طور مطلوب در اختیار بسیاری از کتابخانه‌ها نبود، کمیته برنامه‌ریزی ضرورت توجه به موج جدید را که فناوری‌های نوین اطلاعاتی موجب آن شده بود احساس نمود. همچنین درباره تغییر وضعیت کتابخانه‌ها و تنوع آنها اندیشیده شده بود. بر مبنای چنین پیش‌فرض‌هایی، کمیته برنامه‌ریزی کتابداری برنامه دوره کارشناسی ارشد را در چهار گرایش کتابخانه‌های عمومی، دانشگاهی، آموزشگاهی و اطلاع‌رسانی که در واقع همان کتابخانه‌های اختصاصی باشد تدوین نمود.

گرچه به طور منطقی جریان تحولات آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی باید به جهتی می‌رفت که برنامه‌ریزان اندیشیده بودند، ولی در عمل چنین نشد. این تجربه نشان از آن دارد که برنامه‌ریزی‌ها بر مبنای نتایج پژوهش‌ها انجام نشده است. حتی برنامه‌ریزان علی‌رغم صرف وقت و انرژی بسیاری که صرف برنامه‌ریزی می‌کنند در پی آن نیستند که دریابند گروه‌های کتابداری دانشگاه‌ها به چه می‌اندیشند و علاقه آنها به انجام چه کاری است؟ گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تهران از ابتدا با برنامه آموزش کارشناسی ارشد بر مبنای گرایش‌ها با تخصص‌های متفاوت موافق نبود. این گروه به برنامه‌های عمومی برای این دوره، اما تقویت شده با درس‌هایی در باب رایانه‌ها و کاربرد متنوعشان در کتابخانه‌ها باور داشت.

زمانی که برنامه دوره کارشناسی ارشد به دانشگاه‌ها ابلاغ گردید، گروه‌های کتابداری در دانشگاه‌های تهران، شیراز و تربیت مدرس شانس آن را یافتند که این دوره

را بازگشایی نمایند. البته در میان سه دانشگاه مذکور، دانشگاه تربیت مدرس به دلیل حضور دکتر طاهره علمی به عنوان رئیس گروه که سرپرست کمیته برنامه‌ریزی کتابداری هم بود، برای برارول گروه کتابداری را تأسیس می‌نمود. با راه‌اندازی این دوره، گروه‌های مربوطه که تا این زمان گروه کتابداری یا علوم کتابداری نام داشتند به گروه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی تغییر نام دادند. برخلاف تصور حاکم، همه گروه‌های فوق مبادرت به تأسیس دوره کارشناسی ارشد با گرایش اطلاع‌رسانی کردند. برای پذیرش دانشجو در این گرایش لازم بود که گروه‌ها آزمایشگاه‌های رایانه‌ای داشته باشند و امکانات سخت‌افزاری، نرم‌افزاری، پایگاه‌های اطلاعاتی روی لوح‌های فشرده و امکانات ارتباطی شبکه‌ای در آنها وجود داشته باشد. هیچ کدام از مدارک و شواهد موجود نشان نمی‌دهد که گروه‌های مذکور در زمان برپایی دوره کارشناسی ارشد چنین امکاناتی را داشته باشند. گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تهران علی‌رغم اینکه بیش از سه دهه از عمرش می‌گذرد هنوز چنین امکاناتی را به صورت مستقل در اختیار ندارد و این گروه در دانشگاه شیراز که بعد از دانشگاه تهران بیشترین سابقه را در زمینه تربیت دانشجویان کارشناسی ارشد دارد در ۱۳۷۸ موفق به تأسیس آزمایشگاه رایانه‌ای گردید.

توانمندی دیگری که گروه‌ها باید حائز آن می‌بودند و نادیده گرفته شد، در اختیار داشتن اسناداتی بود که بتوانند درس‌های اطلاع‌رسانی را در گرایش مذکور تدریس نمایند. اما آنچه در دانشگاه‌های ایران تجربه شده، شنا کردن برخلاف جریان آب است. معمولاً در دانشگاه‌ها رسم بر این است که هنگام راه‌اندازی برنامه جدید آموزشی با مدرک‌ستانی استخدام می‌کنند که توانایی‌های مورد نیاز برنامه آموزشی را داشته باشند یعنی در زمینه‌های مورد نظر فعالیت آموزشی داشته و صاحب تجربه باشند و همچنین آثاری را منتشر کرده باشند؛ یا اینکه اعضای هیئت علمی خود را برای کسب آموزش و تجربه راهی دیگر دانشگاه‌ها و مراکز می‌کنند تا از طریق بازآموزی بتوانند انتظارات دانشگاه را برآورده سازند. بی‌شک دانشگاه‌هایی که مبادرت به تأسیس دوره‌های علمی کرده‌اند، هیچ‌کدام چنین تجربه‌ای نداشته‌اند. محتوای برنامه‌ها به نیت هماهنگی با تحولات

دستخوش تغییر می شود ولی تضمینی وجود ندارد که محتوای آنها به گونه ای ارائه شود که رضایت دانشجویان را جلب کند. لذا درس هایی که جنبه عملی دارند و در برنامه هم عملی بودن آن پیش بینی شده است، در اختیار استادان نیست، با آنها هنوز آمادگی لازم برای به نمایش گذاشتن آنچه به صورت نظری بیان کرده اند ندارند. گرفتاری های بی شمار اعضای هیئت علمی و پذیرفتن مسئولیت های کوچک و بزرگ، فرصتی برای آنها باقی نمی گذارد تا آنچه مورد نظرشان است، در برنامه آموزشی در کلاس های درس ارائه دهند (۲: ۱۶-۲۰).

نگاهی به محتوا و کیفیت پایان نامه ها و نه عنوان آنها (حتی آنهایی که در سال های اخیر پایان نامه دوره دکتری بوده اند) حکایت از این دارد که آموزش، آموختن و فارغ التحصیلی دچار روزمرگی شده است. مصاحبه های علمی که با متقاضیان استخدام در سمت عضو هیئت علمی انجام می شود گواه آن است که ما از نظر داشتن افراد مستعد ضعیف هستیم. امروزه کمتر می توان فارغ التحصیلان گروه های مختلف را بدون دغدغه خاطر به استخدام در آورد. این امر تا بدینجا پیش رفته است که حتی گروه های آموزشی در به خدمت گرفتن دست پرورده های خود نیز مترددند.

برنامه های جدید که به گروه های آموزشی ابلاغ می شود، برای آنها توجیه نشده و از آنها نظرخواهی نمی شود. برنامه ها بیشتر همراه با یک نامه که به اعضای وزیر است به دانشگاه ها ابلاغ می شود و از آنها خواسته می شود تا برنامه را به مرحله اجرا در آورند. همراه با ابلاغ برنامه ها به بخش های مربوطه، سوالات مختلف و متعدد اعضای هیئت علمی که باید در اجرای برنامه مشارکت داشته باشند آغاز می شود. چه کسی باید آنها را با برنامه ها آشنا کند و توجیهات مختلف را در اختیار آنها بگذارد؟ آیا این شخص مدیر گروه است که خود مانند همکارانش فقط دریافت کننده برنامه است یا گروه برنامه ریز که شرایط زیادی بر آنچه خود به وجود آورده اند، دارند؟

چنانچه مدرسان نظریاتی درباره برنامه ها داشته باشند یا در حین اجرای برنامه ها به مواردی برخورد کنند که نیاز به تصحیح داشته باشند، مجرای جز راهکارهای اداری که چندان مطمئن نیستند در اختیار ندارند. بیشتر

افرادی که به این مرحله از کار می رسند، از بیان و انعکاس نظریات خود صرف نظر می کنند یا به نحوی با آنچه مشکل پنداشته شده است، کنار می آیند. چنین روندی کار برنامه ریزی را که باید از بازخوردهای لازم و مطمئن برخوردار باشد بی بهره می کند و موجب ناقص شدن چرخه برنامه ریزی می شود. این روند نارضابینی هایی به دنبال داشت که موجب شد اخیراً شورای عالی برنامه ریزی به دانشگاه های بزرگ یعنی آنهایی که دارای هیئت ممیزه مرکزی هستند مانند دانشگاه شیراز، اختیارات برنامه ریزی به ویژه برای دوره های تحصیلات تکمیلی تفویض کند. در دوره های پائین تر اختیارات محدودتری به دانشگاه ها داده شده است و درباره دروس عمومی که نارضابینی های زیادی نسبت به آنها وجود دارد هنوز شورای عالی برنامه ریزی هر گونه تجدید نظر را در احصا خود دارد.

دوره کارشناسی کتابداری

هنوز یکی دو سالی از اجرای برنامه کاردانی در دانشگاه ها نگذشته بود که زمره های نارضابینی دانشجویان شنیده شد. در مدت کوتاهی نارضابینی مذکور جنبه سراسری به خود گرفت. دانشجویان دوره کاردانی کتابداری نسبت به دانشجویان دیگر رشته ها که همراه آنها تحصیل می کردند و در درس های عمومی نیز به کلاس های مشترک می رفتند، احساس کهنتری می کردند. چنین احساسی همراه با بازار کار نامطمئنی که برای فارغ التحصیلان دوره های کاردانی وجود داشت، موج اعتراض ها را بلندتر و گسترده تر کرد.

موج اعتراضات زمانی جدی شد که از طرف گروهی از اعضای هیئت علمی به ویژه آنهایی که تا پیش از این در دوره کارشناسی ارشد تدریس می کردند، نیز حمایت و پشتیبانی شد. دانشجویان شکوایه های خود را به مجلس شورای اسلامی فرستادند و از آن طریق وزارت فرهنگ و آموزش عالی را برای ارتقاء سطح دوره آموزشی از کاردانی به کارشناسی در فشار قرار دادند که در نهایت به نتیجه رسید. سازمان سنجش و آموزش کشور نیز پذیرفت که آزمون دوره کاردانی به کارشناسی کتابداری را در زمره آزمون های ناپیوسته کاردانی به کارشناسی که هر سال برگزار می شود قرار دهد.

آنچه رخ داد از نظر گشودن بای برای ادامه تحصیل فارغ التحصیلان دوره‌های کاردانی بسیار مطلوب بود. چون در میان دانشجویانی که برای تحصیل به دوره‌های کاردانی می‌آمدند دانشجویانی بودند که توانایی لازم را برای ادامه تحصیل داشتند. از طرف دیگر فراهم شدن امکان ادامه تحصیل، رغبت جوانان را برای ادامه تحصیل در این رشته افزود و بسیاری از فارغ التحصیلان دوره‌های کاردانی توانستند تحصیلات خود را در مقاطع بالاتر ادامه دهند.

اماجبه منفی این رویداد رانه تنها در میان دانشجویان بلکه در میان گروه‌های آموزش کتابداری نیز باید جستجو کرد. همان‌طور که تحصیل در دوره کاردانی برای دانشجویان این دوره ملال آور بود، گروه‌های آموزشی بی که با مقطع کاردانی تأسیس یافته بودند ملائت بیشتری احساس می‌کردند. البته این بار گروه‌های آموزشی در مقایسه با دیگر گروه‌ها که در دانشگاه وجود داشتند، احساس کمتری می‌کردند و امکان داشت این مسئله به انزوای بیشتر آنها بینجامد. البته داشتن دوره کاردانی نافی این نبود که گروه‌های مذکور دوره‌هایی را در مقاطع بالاتر تأسیس نمایند.

تبدیل دوره‌های کاردانی به کارشناسی محدود به دانشگاه‌های بزرگ نماند و گروه‌های کتابداری که در دانشگاه‌های کوچک و نوپید مانند دانشگاه پرد تأسیس شده بود، دوره‌های خود را از کاردانی به کارشناسی ارتقا دادند. شورای گسترش دانشگاه‌ها در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بدون توجه به نیاز کتابخانه‌ها به کاردندان کتابداری، با بیشتر تقاضاهای ارتقا، دوره‌های آموزشی از کاردانی به کارشناسی موافقت کرده است. در کمتر موردی این شورا به بررسی آنچه دانشگاه‌ها روی کاغذ و در فرم‌های ویژه می‌آورند، راهی شورای مذکور می‌کنند، پرداخته است. در ضمن شورای مذکور باید به گونه‌ای عمل کند که موجب توقف آنچه برنامه‌ریزان صواب و صلاح دانسته اند نشود. تأثیراتی که اقدامات گروه‌های کتابداری و تصمیمات شورای گسترش بر روند توسعه کتابداری در ایران می‌گذارد از این حد فرزون است و به مطالعه بیشتر نیاز دارد. موافقت با تأسیس دوره کارشناسی کتابداری، کمینته برنامه‌ریزی کتابداری را بر آن داشت که دست به تدوین

برنامه‌ای بزند که در ابتدایه آن اعتقادی نداشت. تدوین این برنامه کار زیادی برای کمینته مذکور به وجود آورد چون برنامه‌ای باید تدوین می‌شد که هم خصوصیات دوره کاردانی را در برداشته باشد و هم بتواند افرادی را در سطح کارشناسی در مقایسه با دیگر رشته‌ها تریب نماید. برنامه‌ای دوره با هماهنگی و مشورت برنامه‌ریزان کمینته کتابداری با دیگر گروه‌های برنامه‌ریزی در شش شاخه علوم انسانی و اجتماعی، علوم پایه، فنی و مهندسی، کشاورزی، پزشکی و هنر تدوین شد. از میان شاخه‌های مذکور شاخه‌های علوم انسانی و اجتماعی در دانشگاه‌های غیر علوم پزشکی و شاخه پزشکی در دانشگاه‌های علوم پزشکی بیش از همه شاخه‌ها با اقبال روبه‌رو گردید (۸).

تدوین برنامه کارشناسی شاخه پزشکی، زمینه را برای گسترش کتابداری پزشکی که زمینه‌های آن قبل از انقلاب اسلامی فراهم شده بود به وجود آورد. پیامدهای انقلاب و باورهای استعمارستیزی آن سبب شد، کارشناسان و مدرسان خارجی از جمله آنها که مرکز پزشکی شاهنشاهی را تأسیس نموده بودند کشور را ترک کنند؛ ولی برخی کتابداران ایرانی را مانند فیروزه مولایپرست و علی سینایی که چند سال قبل از انقلاب مدیر مرکز مدارک علمی بود در کتابداری علوم بهداشتی تجربه داشت و همچنین حسین داودی فر که از دانشگاه پیسبورگ مدرک دکترای کتابداری گرفته بود، بر آن داشت که فصلی نو در حیات کتابداری ایران بگشایند. آنها برنامه‌های جامعی تدوین نمودند که بر مبنای مشاهدات تحصیلی آنها در خارج از کشور، همکاری با مدرسان و مشاوران امریکایی، و تجربیاتی بود که از کار در کتابخانه‌ها آندوخته بود. علاوه بر این برنامه مذکور برای نخستین بار رنگ و بوی ایرانی به خود گرفته بود و عناصری از تفکر بومی را در خود داشت و آموزش و مواد آموزشی را به نیازها و واقعیات ملی نزدیک تر می‌کرد. آنها نه تنها از آموزش و بازآموزی در کتابخانه‌های مختلف پزشکی و تحقیقاتی غافل نمانده بودند بلکه در پی آن بودند که در سطوح مختلف، کتابداران حرفه‌ای برای کتابخانه‌ها و کتابداران پژوهشی برای کار در گروه‌های تحقیقاتی پزشکی تریب کنند (۱۱،۴).

دانشگاه علوم پزشکی ایران در تهران، دانشکده

مکتبه برنامه‌ریزی کتابداری تدوین شد و به تصویب شورای عالی برنامه‌ریزی هم رسید. گرچه به نظر می‌رسید با توجه به مشکلاتی که این دوره با آن مواجه بود ادامه نیابد و بدین ترتیب یکی از مشکلات کتابداری ایران که تأسیس بی‌رویه گروه‌های کتابداری ست به خودی خود به افول برسد. ولی چنین نشد و دانشگاه آزاد اسلامی نه تنها این دوره را تعطیل نکرد بلکه به گسترش آن نیز دست زد (۲۸۶، ۲۸۷).

برنامه‌های جدید که به گروه‌های آموزشی ابلاغ می‌شود، برای آنها توجیه نشده و از آنها نظرخواهی نمی‌شود.

این دانشگاه گروه کتابداری خود را از محل سابق به تهران منتقل نمود و دوره آموزشی آن راه کارشناسی ارشد ارتقاء داد. تصور می‌شد در تهران و در واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، گروه آموزشی منسجم با امکانات کافی از نظر مدرّس و ابزارهای مورد نیاز از قبیل کتابخانه و آزمایشگاه‌ها به وجود آید، ولی چنین نشد و این دانشگاه حتی برای مدیریت این گروه نیز از یکی از مدرّسان تمام وقت دانشگاه تهران استفاده نمود. با محدود بودن قدرت جذب دوره کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های دولتی که محدود به دانشگاه‌های تهران، شیراز و تربیت مدرس و علوم پزشکی می‌شد، گروهی از فارغ‌التحصیلان دوره‌های کارشناسی کتابداری، جذب دوره کارشناسی ارشد کتابداری دانشگاه آزاد اسلامی شدند.

گروه کتابداری دانشگاه آزاد اسلامی با تجربه اندکی که از تأسیس دوره کارشناسی ارشد اندوخته بود و با استفاده از همان فضای که دوره‌های سطوح پایین‌تر راه‌اندازی کرده بود، دست به اقدام دیگری زد و برای اولین بار و در حالی که دانشگاه‌های دولتی مانند دانشگاه تهران در گیرودار تصویب برنامه پیشنهادی خود در شورای عالی برنامه‌ریزی بودند و عاقبت هم به نتیجه دلخواه نرسیدند، دوره دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی را تأسیس کرد. برای این دوره که برنامه آموزشی و سیاست‌های آن مدوّن و منتشر نشده است، مانند گذشته

مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی و تأسیس کرد و دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و اخیراً هم دوره دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی راه‌اندازی کرده است. پس از تهران، بر مبنای همان الگو دانشگاه‌های علوم پزشکی در شهرستان‌هایی مانند اصفهان، کرمان و تبریز دانشکده‌هایی با همان نام تأسیس کردند و دوره کارشناسی در شاخه پزشکی را در آن ایجاد نمودند. تأسیس دانشکده‌های مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی گرچه به توسعه رشته کتابداری انجامید ولی به مسئله چندگانگی در کتابداری ایران دامن زد و آن هم در شرایطی که هیچ‌گونه هماهنگی از سوی هیچ سازمان و نهادی انجام نمی‌شود.

آنها در بیشتر موارد فارغ‌التحصیلان جدید خود را که صلاحیت‌های لازم برای ورود به جرگه اعضای هیئت علمی را کسب نکرده‌اند به استخدام در می‌آورند و آنها را به عنوان رتیس گروه و مدرّسان این دانشکده‌ها به خدمت می‌گیرند. آنچه هنوز نامعلوم است تعیین صلاحیت‌های حرفه‌ای ست که این افراد باید از آنها برخوردار باشند. هرچند حداقل صلاحیت‌های مورد نیاز برای کسانی که در دانشگاه‌های غیرعلوم پزشکی در گروه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی تحصیل می‌کنند، نیز نامعلوم است (۴۰۵).

دانشگاه آزاد اسلامی و آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی

هم زمان با اوج گرفتن اعتراضات نسبت به دوره کاردانی در دانشگاه‌های دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی از فرصتی که پیش آمده بود استفاده کرد و دوره کارشناسی کتابداری را در یکی از واحدهای آموزشی خود به نام رودهن تأسیس نمود. برای تدریس در این دوره از تعدادی از کتابداران حرفه‌ای دانشگاه تهران و دیگر دانشگاه‌های موجود در این شهر استفاده نمود. راه‌اندازی دوره مذکور در زمانی صورت گرفت که برنامه‌ای برای این دوره در شورای عالی برنامه‌ریزی تدوین نشده بود. گرچه برای تأسیس چنین دوره‌ای دانشگاه آزاد اسلامی مانند دیگر دوره‌هایش به داشتن برنامه مصوب نیاز نداشت. برنامه آموزشی که در این دوره تدریس می‌شد تا حدودی شبیه به برنامه‌ای بود که یکی دو سال بعد در

از استادان گروه‌های کتابداری دانشگاه‌های دولتی به‌ویژه دانشگاه تهران برای تدریس استفاده شد. دانشجویانی جذب این دوره شدند که تعداد زیادی از آنها مدت‌ها از زمان فراغت از تحصیل آنها در دوره کارشناسی ارشد گذشته بود و فرصت آن‌را نیافته بودند که تحصیل خود را به دلایل مختلف در خارج از کشور ادامه دهند. نکته جالب و درخور توجه در برنامه این دانشگاه استفاده از فارغ‌التحصیلان خود در جایگاه مدرس است (۳۰۷، ۱۲).

گرچه چنین موردی در دانشگاه‌ها و دوره‌های آموزشی دیگر نیز رخ می‌دهد اما شاید برای کتابداری ایران جنبه استحاله داشته باشد. بدین مفهوم که افرادی که به عنوان دانشجو وارد این دوره می‌شوند، اغلب شانس کمتری را برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها و نظام‌های آموزشی دیگر داشته‌اند. استفاده از فارغ‌التحصیلان چنین دوره‌هایی در جایگاه مدرس جای تأمل دارد و نمی‌تواند پشتوانه کافی برای توسعه رشته کتابداری در ایران، به‌ویژه در دوران کنونی که مسئله فناوری‌های اطلاعاتی و رقابت با متولیان آن که از رشته‌های فنی و مهندسی هستند مطرح باشد. لذا این گونه گسترش در آموزش کتابداری ایران چنانچه مشکل آفرین نباشد که هست، موجبات تعالی این رشته را در مقایسه با دیگر رشته‌های حرفه‌ای فراهم نخواهد نمود.

دوره دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی

اعزام دانشجو به خارج از کشور برای تحصیل دوره دکتری، گروه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه‌های مشهد و شیراز را بر آن داشت که برای تأسیس دوره دکتری کتابداری به‌طور مشترک به تفاهم برسند. آنان بر اساس این نامه تأسیس دوره‌های مشترک که به تصویب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری رسیده بود، تفاهم‌نامه‌ای را به اعضا رساندند که در نهایت به تصویب دو دانشگاه و شورای گسترش دانشگاه‌ها رسید. نخستین آزمون دوره دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی در اردیبهشت ۱۳۷۸ در دانشگاه شیراز برگزار گردید که ۵۴ داوطلب در آن شرکت نمودند.

اولین دوره این مقطع تحصیلی به‌طور همزمان با ۵

دانشجو، ۳ مرد و ۲ زن در مهر ماه ۱۳۷۹ در دانشگاه شیراز و با ۲ دانشجوی مرد در دانشگاه فردوسی مشهد آغاز شد. بعدها دانشگاه فردوسی مشهد موفق به اخذ مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای تأسیس دوره دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی به‌طور مستقل شد. آزمون این دوره در خرداد ۱۳۸۱ برگزار شد و ۵ دانشجو پذیرفته شدند.

به دنبال دانشگاه‌های مذکور گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تهران نیز بر آن شد که به تلاش‌های خود برای برپایی دوره دکتری ادامه دهد. سرانجام این تلاش‌ها به نتیجه رسید و اولین دوره این مقطع با ۵ دانشجو که از طریق آزمون و مصاحبه پذیرفته شده بودند از بهمن ۱۳۸۰ آغاز شد.

برنامه آموزشی این دوره قبلاً توسط کمیته برنامه‌ریزی کتابداری تهیه شده و به تصویب شورای عالی برنامه‌ریزی رسیده بود. برنامه مذکور در مرحله دارد در مرحله نخست دانشجویان این دوره ۲۵ واحد درسی را می‌گذرانند. آنها پس از گذراندن موافقت‌آمیز درس‌های مذکور در یک امتحان جامع شرکت می‌کنند و در صورت موفقیت وارد مرحله دوم که نوشتن پایان‌نامه است می‌شوند. درس‌های این دوره به‌طور بکلیت با دانشجوین ارائه می‌شود و رویکرد مشخصی در دنبال نمی‌کند (۶؛ ۱۰۸). چنین به نظر می‌رسد که در مرحله برنامه‌ریزی بیشتر تلاش شده است که مجموعه‌ای از دروس خوب جمع‌آوری شود. در صورتی که از فارغ‌التحصیلان برنامه مذکور انتظار می‌رود که بتوانند به عنوان مدرس یا پژوهشگر در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی به فعالیت بپردازند.

اعزام دانشجو به خارج

نیاز به گسترش آموزش عالی بعد از پایان گرفتن جنگ ایران و عراق در ۱۳۶۸، دولت را بر آن داشت که برای تأمین مدرس در رشته‌های مختلف دانشگاهی که رشته کتابداری نیز شامل آن می‌شد، دانشجو به خارج اعزام کند. بر مبنای تفاهماتی که دولت ایران با برخی کشورها که عموماً شامل بریتانیا و کشورهای مشترک المنافع آن می‌شد، دانشجویان بورسیه‌ایرانی به کشورهای انگلستان، کانادا، استرالیا و ژلاندنو برای تحصیل در دوره دکتری اعزام

شدند. نصیب رشته کتابداری آن بود که بورسیه هایش برای ادامه تحصیل به دانشگاه نیوساوت ولز در سیدنی استرالیا بروند. تحصیل در دانشگاه های استرالیا تجربه جدیدی برای دانشجویان ایرانی بود که به روال معمول برای ادامه تحصیل به دانشگاه های آمریکا و انگلستان می رفتند (۱۲: ۳۱۰-۳۱۱).

تحصیل در دوره های عالی و در نظام آموزشی و فرهنگی متفاوت با موطن دانشجویان، منشاء تجربه و تفکرات جدیدی می شود که ممکن است به صورت مختلف در رفتار افراد در زمان بازگشت و قرار گرفتن در فرهنگ خودی بروز نماید. برنامه های آموزشی در دوره های کارشناسی ارشد در ایران به سمت و سویی سوق داده شده است که افرادی را تربیت کنند که از عهده کارهای فنی کتابخانه ها به خوبی برآیند یا در نهایت بتوانند کتابخانه کوچکی را در دنیای قبل از تحولات فناوری اداره نمایند. چنین برداشتی از کتابدار حرفه ای شاید تحت تأثیر انتقال مفاهیم کتابداری توسط مدرسان آمریکایی به جامعه ایرانی به وجود آمده باشد. بدون شک توانایی هضم جامعه ایرانی از مفاهیم جدیدی که از جامعه ای توسعه یافته و پویا به آن منتقل می شد، در به وجود آمدن این الگو از کتابدار حرفه ای بی تأثیر نبوده است. آن دسته از مفاهیم کتابداری که با ارزشی و اجتماعی داشتند، مانند آزادی دسترسی به اطلاعات یا فراهم نمودن مدارک و اطلاعاتی که بر مبنای آن شهروندان، آزادانه بتوانند فکر کنند و تصمیم بگیرد به جامعه ایرانی که زیر سلطه سیاسی حکومت قرار داشت، منتقل نگردید.

الگوی کتابدار حرفه ای

آنچه از کتابداری آمریکایی به جامعه کتابداری ایران منتقل گردید الگوی ناقص یا تغییر ماهیت یافته ای از کتابداری آمریکایی بود. تعجب آور نیست که در میان همه ارکان مهم کتابداری، فهرست نویسی و طبقه بندی در الگوی کتابداری ایران جلوه می کند و در چارچوبی که برایش طراحی شده است، بدون تفکر به پیش می رود. کتابدار ایرانی می تواند قواعد فهرست نویسی را تعبیر و تفسیر کند و آن را به نمونه های کتاب های چاپی ایران که از استانداردهای بین المللی پیروی می کنند اعمال کند. حال آنکه در زمینه انطباق نسخه های خطی ایران

با قواعد انگلو-آمریکن چاره ای اندیشیده نمی شود. رده بندی دهدهی دیونی و رده بندی کتابخانه کنگره آمریکا آموزش داده می شود، ولی از نظریه های رده بندی که مبنای رده بندی های مانند بلیس و کاتر قرار گرفته اند خبری نیست و رانگانانان که فیلسوف و نابغه شرق لقب گرفته است مهجور می ماند و کسی از نوآوری های او در رده بندی و نمایه سازی صحبت نمی کند. گویا فقط مواردی ارزش مطرح شدن دارند که جاری هستند. از این موارد هم فقط مطالب و مواردی باید آموخته شود که جنبه عملی دارند، یعنی بتوان آن را روی موردی خاص آزمایش کرد و به مرحله عمل رسانید.

آموزش کتابداری و اطلاع رسانی در محیط جدید

در پایان قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم، مدت هاست که از نظریه پردازی در زمینه فهرست نویسی و طبقه بندی های کتابخانه ای به آن صورت که در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم انجام می گرفت، گذشته است، ولی در شرایط جدید که فناوری های اطلاعاتی مسئله بودن یا نبودن سازماندهی دانش ها را مطرح کرده اند آیا فرصتی برای نظریه پردازی و ارائه راهبردهای نوین نیست؟ نوشته های کتابداران ایرانی که در نشریات داخلی به چاپ می رسند کمتر نشان دهنده چنین چالشی هستند.

مجموعه سازی که به درستی رکن اصلی و اساسی کتابداری است، در آموزش کتابداری و وظایف کتابداران حرفه ای نامألوس مانده است. مدرسان کمتر به مباحث نظری و زیربنایی این فعالیت می پردازند و دانشجویان هم کمتر به شنیدن آنها توجه نشان می دهند. سنت گذشته کتابداری چه در تمدن شرق و چه در تمدن غرب گویای این واقعیت است که گماردن دانشمندان و فرهیختگان جامعه به کتابداری کتابخانه ها بر این مبنای بوده است که آنها به ارزش محتوایی کتاب ها آگاهی دارند و بر مبنای شناختی که از نیاز علمی جامعه خود دارند می توانند به گردآوری آثار برجسته و هسته زمان خود بپردازند و از این راه نیازهای اطلاعاتی جامعه خود را تا آن حد که مقدور است تأمین نمایند.

کتابخانه های بزرگی مانند کتابخانه کنگره آمریکا و کتابخانه بریتانیا بر مبنای ابزارها و تجهیزات و نظام های رایانه ای آنها ارزیابی نمی شود و مادر نوشته ها نامی از

کتابداران و رؤسای جدید این کتابخانه‌ها نمی‌بینیم. حال آنکه کتابدارانی مانند پوتنام، اسپرورد و سرآنتونی پاتینسی نامشان در متون کتابداری جاودان است. ارزش کتابخانه‌های مذکور بر مبنای مجموعه‌ای است که در آنها گردآمده و گنجینه‌دانی است که در آنجا وجود دارد و امکان استفاده از آنها برای همگان وجود دارد. حدیث مجموعه‌سازی در کتابخانه کنگره آمریکا خواندنی‌ست نه از باب آنکه تاریخی بازگو شود بلکه بی‌بردن به ابتکارات و چاره‌اندیشی‌هایی که برای مجموعه‌سازی این کتابخانه صورت گرفته است.

گرچه به ظاهر مجموعه‌سازی در برنامه آموزشی رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی تحت نفوذ فناوری‌های اطلاعاتی قرار گرفته است ولی این پدیده شگفت‌انگیز نیز نتوانسته است از اهمیت مجموعه‌سازی در کتابخانه‌ها بکاهد. در زمان کنونی مجموعه‌سازی اهمیت خود را از دست نداده بلکه بر اهمیت آن نیز افزوده شده است. در این محیط دیگر جایی برای کتابداران یا اطلاع‌رسانان ایستا نیست بلکه پویایی زیادی از آنها طلب می‌شود. آنها نمی‌توانند مانند زنان خانه‌دار در خانه بنشینند و انتظار دستفروشی را بکشند که برای عرضه کالا به در منزل آنها مراجعه می‌کنند (۱۸۷۳-۱۸۸۰).

آنها باید بتوانند کالای اطلاعاتی خود را در قالب الکترونیکی و به شکلی که در نوع خود بی‌نظیر و قابل عرضه به بازار باشد فراهم نمایند. علاوه بر این اطلاعات مذکور باید در وضعیتی باشد و به صورتی نگهداری شود که قابل استفاده برای گروه زیادی از افراد باشد. محتوای اطلاعات مقوله دیگری است که تفکر و مهارت زیادی از کتابداران طلب می‌کند. بدین ترتیب که چه اطلاعاتی را باید گردآوری کرد و در اطلاعات جمع‌آوری شده چه تغییراتی باید داد تا بتوان از آنها اطلاعات جدید ساخت؟ مفهومی که امروزه از آن با نام "ارزش افزوده" یاد می‌کنند در محیط جدید اطلاعاتی مصداق زیادی پیدا کرده است. دانایی، توانایی و برخورداری از هوش و ذکاوت عوامل مهمی برای رشد و بقا در این محیط است. بدین ترتیب باید نگرش و الگوی موجود و مرسوم از کتابدار حرفه‌ای را در گون ساخت و از نو به طراحی آن پرداخت و آنگاه بر این اساس به طراحی برنامه‌های آموزشی مورد نیاز پرداخت.

کتابدار حرفه‌ای باید از تحصیلات خود آگاهی‌هایی کسب کرده باشد که بر پایه آنها از عهده تجزیه و تحلیل مسائل برآید. در زمانی که او در دوره کارشناسی ارشد تحصیل می‌کند باید با دانش‌های رشته خود آشنا شود و هدف‌های اساسی این رشته و نحوه‌تیین آنها در شرایط متفاوت را بیاموزد. چنانچه چنین توانایی در آنها باور گردد در برخورد با نوآوری‌ها و شرایط متفاوت قدرت آن‌را خواهند داشت که به چاره‌اندیشی بپردازند.

کتابخانه‌ها و به تبع آنها کتابداران حرفه‌ای با مسائل گوناگونی روبه‌رو هستند آنها باید روش‌های برخورد با مسائل را بشناسند و از طریق بررسی سوابق موجود به جواب مختلف آنها روشی بیشتری ببخشند. با دست به فرضیه‌سازی زده و از طریق آزمون آنها به نتایج روشنی برای حل مسائل دست یابند.

نیازسنجی و شیوه‌های آن باید در برنامه‌های آموزشی رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی گنجانده شود. بدین لحاظ لازم است دانشجویان با انواع اطلاعات و محتوای مدارک آشنا باشند. آنها باید با برنامه‌های سازمان متبوع خود آشنا شوند و نیازهای حال و آینده را در نظر بگیرند. نیازهای اطلاعاتی محدود به سازمان متبوع نمی‌شود بلکه کتابداران باید بتوانند اطلاعاتی را گردآورند که قابل مبادله یا عرضه در بازار باشد. بدین ترتیب آگاهی و اطلاع از نوع نیازهای اطلاعاتی که در جامعه وجود دارد ضروری می‌نماید.

تولید و عرضه اطلاعات، میدان رقابت کتابداران در محیط جدید است. با توجه به اینکه در این محیط بخش مهمی از اطلاعات مانند گذشته در اختیار کتابخانه‌ها نیست و علاوه بر این شکل‌های گوناگون اطلاعات انحصار نسبی کتابخانه‌ها بر آن را کاهش داده است، کتابداران با رقابت زیادی روبه‌رو خواهند بود. لازمه دوام و ادامه ارزشمندی کتابخانه‌ها چون گذشته در گرو این است که کتابداران بتوانند اطلاعاتی را تولید نمایند که قابل رقابت با دیگر تولیدکنندگان این کالا باشد. در این رویارویی شانس کتابداران احتمالاً بیشتر از دیگر رقیبان خواهد بود. چنانچه آنها بتوانند از تجربه خود در مجموعه‌سازی استفاده کنند و به آن توانایی تولید و نگهداری اطلاعات به صورت الکترونیکی را نیز افزوده باشند.

گرچه ورود کتابخانه‌های ایران به عرصه محیط جدید به کندی انجام می‌شود، ولی لازم است که کتابداران ایران همراه با آموختن روش‌های مرسوم مجموعه‌سازی، شیوه‌های نوین آن را نیز بیاموزند. اطلاعات و آثار مورد نیاز مانند گذشته فقط در اختیار ناسران سنتی نیست تا بتوان آنها را از طریق کارگزاران آنها تهیه نمود. تولیدکنندگان اطلاعات از تنوع زیادی برخوردار شده‌اند. علاوه بر موارد مذکور، تولیدکنندگان به خاطر پویایی بازار و همچنین نوآوری‌های فنی دستخوش تغییرات زیادی می‌شوند. لازمه دستیابی به آنچه مورد نیاز است، شناسایی تولیدکنندگان و آشنایی با نحوه کار آنهاست.

برخلاف گذشته کتابخانه‌ها فقط خریدار محمل‌های اطلاعاتی نیستند، آنها خریدار خدمات نیز هستند. خدماتی که تنوع آنها مانند تنوع تولیدکنندگان اطلاعات است. شناسایی نوع خدمات مورد نیاز سازمان‌ها و مؤسسات تولیدکننده و همچنین آگاهی از شرایط برخورداری از آنها، وظایف جدیدی است که بر وظایف قبلی کتابداران افزوده شده است. برخلاف جریان مجموعه‌سازی به شیوه مرسوم که آنچه خریداری می‌شد در کتابخانه نگهداری می‌گردید، خدمات چنین ویژگی ندارند و فقط مدت محدودی امکان استفاده از آنها وجود دارد. خدمات مذکور چون عموماً از تولیدکنندگان خارجی خریداری می‌شود بسیار گران هستند و بهره‌گیری از آنها نیز در گرو در اختیار داشتن امکانات رایانه‌ای و فنی مناسب است. لذا سرمایه‌گذاری از محل امکانات مالی محدودی که در اختیار کتابخانه‌هاست، درایت زیادی را از کتابداران و اطلاع‌رسانان می‌طلبد.

ساختار اطلاعات و پایگاه‌هایی که اطلاعات در آنها قرار دارد نیز دستخوش تغییرات زیادی شده است. با توجه به آنچه در فوق آمد، کتابداران ایرانی هنوز لازم است که شیوه‌های مرسوم سازماندهی را بدانند و کم‌توجهی به آن دلیلی جز نداشتن آگاهی از شرایطی که کتابخانه‌ها و مراکز مدارک ایران در آن قرار دارند و خودباختگی در مقابل فناوری‌های نوین اطلاعاتی، ندارد. کتابخانه‌های ایران هنوز تعداد زیادی کتاب سازماندهی نشده دارند و کتابخانه ملی ایران علی‌رغم کوششی که در سال‌های اخیر در تهیه کتابشناسی ملی ایران روی لوح فشرده نوری کرده است، هنوز هستند کتاب‌های

قدیم و جدید زیادی که نشانی از آنها در مدارک منتشر شده از سوی کتابخانه ملی ایران نیست. علاوه بر این هنوز بسیاری از مراکز مهم اطلاعاتی مانند کتابخانه کنگره امریکا و کتابخانه ملی بریتانیا اطلاعاتی کتابشناختی فهرست‌های پیوسته خود را در قالب‌های سنتی نگهداری و عرضه می‌کنند (A, 59-83).

مزید بر این هنوز فرصتی برای پرداختن به مدارکی که توسط سازمان‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی در قالب مهندسان مشاور و شرکت‌های پیمانکاری منتشر می‌شود به وجود نیامده است. مدارک مذکور علی‌رغم محتوای اطلاعاتی بسیار غنی که دارند و می‌توانند منبع بالارزشی برای تولید اطلاعات محلی و ملی باشند، ولی عموماً مورد بی‌مهری کتابداران و مدیران مراکز و حتی صاحبان آنها قرار می‌گیرند. به نظر می‌رسد کتابداران ایرانی از این گنجینه پنهان غافل هستند و تصور عموم آنها بر این است که آنچه ارزش دارد در پایگاه‌های اطلاعاتی است که در اینترنت وجود دارد و توسط تولیدکنندگان خارجی عرضه می‌شود. پویا کردن این گنج پنهان در گرو سازماندهی آن است به گونه‌ای که بتوان محتوای آن را در اختیار و دسترس گروه زیادی از پژوهشگران قرار داد، چگونگی انجام این کارها در گرو گنج‌یافتن آنها در برنامه درسی گروه‌های کتابداران و اطلاع‌رسانی است. البته پرداختن به آنها به روال سنتی تک صدایی که استاد بگوید و دانشجو بنویسد و احساس کسالت کند نه به صواب است و نه به صلاح آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی. این قبیل آموزش‌ها را باید از طریق برنامه‌های تحقیقاتی به دانشجویان ارائه نمود که در آنها هم دانشجویان و هم مدرسان سهم باشند. پویایی فضای اطلاعاتی جدید، تحرک بیشتری را از برنامه‌های آموزشی، مدرسان و دانشجویان طلب می‌کند. برنامه‌ها نمی‌توانند چون گذشته برای مدت طولانی بدون تغییر بمانند. در برنامه‌های آموزشی به جز تعیین خطوط و راهبردهایی برای ارائه دروس مختلف، باید آزادی عمل بیشتری به مدرسان و دانشجویان داد تا بتوانند به طراحی دروس مختلفی که می‌خواهند ارائه دهند بپردازند. مدرسان برای باقی ماندن در حرفه و تداوم پویایی آن لازم است که برداشته‌های خود به‌طور مداوم از طریق پژوهش‌های گروهی و تخصص‌های

مختلف، بیفزایند. ماهیت برنامه‌های آموزشی کتابداری و اطلاع‌رسانی چنان است که بارشته‌هایی مانند مدیریت بازرگانی، ارتباطات، رایانه و رشته‌های وابسته به آن وابستگی زیادی در آینده خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران نه از روی برنامه و اندیشه بلکه براساس ضرورت آغاز شد. این آموزش بدون اینکه از یک جریان ملی و زنده نشأت گرفته باشد، در بالاترین سطح حرفه‌ای و در بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین دانشگاه کشور آغاز گردید. همان‌طور که شروع آن بدون تمهیدات لازم بود، گسترش آن نیز به‌جز موارد معدودی بدون پیش‌بینی‌های لازم بوده است. گسترش مذکور به‌جز از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که نظارتی کلی بر همه رشته‌های دانشگاهی دارد از سوی هیچ سازمان حرفه‌ای کنترل و هماهنگ نشده است.

تعداد نسبتاً زیاد گروه‌های کوچک کتابداری در سراسر کشور گرچه می‌تواند نیازهای منطقه‌ای به کتابداران تحصیل‌کرده را تأمین نماید ولی بهره‌مند بودن این گروه‌ها از مدرّسانی که صلاحیت لازم برای تدریس داشته باشند و همچنین نبود وسایل و تجهیزات مورد نیاز، مشکل نزول تدریجی آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی را در محیط‌های دانشگاهی به دنبال داشته است و گروه‌های کتابداری را در حد پایین‌تری نسبت به دیگر گروه‌های آموزشی قرار داده است. انتظار می‌رود که تأسیس دورهٔ دکترای دانشگاه‌های شیراز، فردوسی، مشهد و تهران همراه با ادامه اعزام دانشجوی به خارج بتواند به تدریج مدرّسانی در سطح بالاتر در اختیار گروه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی قرار دهد.

بیشرفت‌هایی که در فناوری‌های اطلاعاتی به‌وجود آمده، فضای جدیدی را پیش روی گروه‌های آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی در دنیا و ایران قرار داده است. تغییرات مذکور بر روی پیش و الگویی که از کتابداران حرفه‌ای وجود دارد تأثیر گذار خواهد بود، هر چند تغییرات حادث شده از این سو در کتابخانه‌های ایران به‌کندی صورت می‌گیرد. برنامه‌های آموزش کتابداری و

اطلاع‌رسانی در عین‌اینکه باید اصول و مبانی کتابداری را در محیط جدید حفظ نمایند، باید تغییرات اساسی در برنامه‌های آموزشی بر مبنای دانش‌های جدید به‌وجود آورند.

برنامه‌های آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی باید بتوانند دانشجویانی را جذب نمایند که از توانایی‌های کار در محیط جدید برخوردار باشند. برنامه‌ها باید شیوه‌های انتخاب و گردآوری در این محیط را به دانشجویان آموزش دهند. شناسایی تولیدکنندگان گوناگون و متغیر به مهارت و پشتکاری زیاد نیاز دارد که باید در دانشجویان پرورش داده شود. انتخاب‌ها با دقت زیاد و بر مبنای اطلاعات دقیقی که از کاربران گرفته می‌شود باید صورت گیرد.

شیوه‌های تولید و نگهداری اطلاعات، توانمندی دیگری است که لازم است برنامه‌های آموزشی نسبت به پرورش آن توجه داشته باشند. در دوران گذر، برنامه‌های آموزشی باید هم شیوه‌های سنتی سازماندهی اطلاعات و هم شیوه‌های نوین را به دانشجویان بیاموزند. منتها به تدریج برنامه‌ها باید بر شیوه‌های الکترونیکی تأکید بیشتری کنند. اشتراک در منابع که یکی از رویکردهای مهم در محیط جدید است، می‌طلبد که کتابخانه‌ها اطلاعاتی را گردآوری نمایند یا به تولید اطلاعاتی که بیشتر جنبهٔ محلی یا تخصصی دارد بپردازند تا بتوانند در قرارداد‌های اشتراک منابع یا کنسرسیوم‌های منطقه‌ای شرکت کنند.

برنامه‌های آموزشی را باید تحرک بیشتری بخشید و نقش فعال‌تری را برای اساتدان و دانشجویان به‌وجود آورد. درس‌ها باید بر مبنای مسائل واقعی که نمونه‌های آن از محیط گرفته می‌شود طرح‌ریزی گردند. تجزیه و تحلیل مسائل و ارائه راه‌حل‌ها در گرو آموزش و یادگیری شیوه‌های مختلف روش تحقیق است. همان‌طور که برنامه، دانشجویان با استعداد و علاقه‌مند را طلب می‌کند، مدرّسان نیز باید از توانایی ارائه و رهبری چنین برنامه‌های آموزشی که به‌طور دائم در تغییر است برآیند. آنها باید به‌طور دائم به بازآموزی خود بپردازند که آن هم از طریق پژوهش‌های گروهی و میان‌رشته‌ای امکان‌پذیر است.

کارشناسی ارشد (نابوسته) علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی.

تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۷۵.

۸. همو. مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دوسم دوره

کارشناسی کتابداری (دانش شاخه). تهران، وزارت فرهنگ

و آموزش عالی، ۱۳۶۹.

۹. فتاسی، رحمت‌الله. "چالش‌های سازماندهی منابع دانش

در آغاز قرن بیست و یکم". فصلنامه کتاب، دوره دوازدهم، ۲

(زمستان ۱۳۸۰) ۵۹-۸۳.

10. Gaver, M. V. "Iranian libraries". *Library Journal*, Vol. 78, No. 9 (1953): 772-776.

11. Harvey, J. F. "Iranian Library Studies". *International Library Review*, Vol. 14, No. 1 (1973): 7

12. Hayati, Z. "An examination of aspects of the history of librarianship and library education in Iran". Ph.D. diss., The University of New South Wales, 1996.

13. Hendershot, C. *Politics, Polemics and pedagogos: a study of United States technical assistance in Education in Iran, including negotiations...* New York: Vantage Press, 1975.

14. Mojab, S. "The state and universities: the Islamic Cultural Revolution". Ph.D. diss., Florida State University, 1992.

تاریخ دریافت: ۸۷۷

۱. تاپسون، جیمز. *تاریخ اصول کتابداری*. ترجمه محمود

حقیقی. تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶.

۲. حیاتی، زهیر. "مسائل آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی

در دانشگاه‌ها". کتابداری و اطلاع‌رسانی، دوره دوم، (بهار ۱۳۷۸)

۳-۲۶.

۳. همو. کتابداران در چالش با فناوری‌های اطلاعاتی: وضعیت،

۱۷۹-۱۹۲ (۱۳۸۰) ۱۰.

۴. دانشگاه علوم پزشکی ایران. *دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی*

پزشکی. طرح پیشنهادی آموزش متخصصین کتابداری و

اطلاع‌رسانی پزشکی. تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۱۳۵۹.

۵. دبائی، محمدحسین. *گزیابی برنامه‌های دوسم رشته*

کتابداری در سطح کارشناسی. پیام کتابخانه، دوره سوم، ۴

(زمستان ۱۳۷۱) ۳۲-۳۸.

۶. شورای عالی برنامه‌ریزی. *مشخصات کلی، برنامه و سرفصل*

دوسم دوره دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی. تهران، وزارت

فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۷۳.

۷. همو. *مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دوسم دوره*

